

سخنرانی وزیر آموزش و پرورش در جمع اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان ممتاز استان تهران



فکر می‌کنم یکی از بهترین و زیباترین نهادهای غیردولتی موجود کشور که تا به امروز بسیار موفق عمل کرده است، انجمن اولیا و مربیان باشد، سازمانی که شما از اعضای خوب و فعال آن هستید. آن چه به وسیلهٔ این شبکهٔ بسیار وسیع مردمی در جهت تحقق هدف‌های تربیتی در کل کشور و در گذشته و حال انجام شده، ثمرات بسیار زیادی داشته است که شاید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بسیار خوشحالم از این که خداوند توفیقی نصیب کرد تا با جمع کثیری از اعضای موفق و فعال انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس استان تهران آشنا شوم. روزهای فرخندهٔ ماه مبارک شعبان را تبریک می‌گویم و ان شاء الله از برکات این ایام بهره‌مند شده باشید.

را نه تنها متصل به هم و به لحاظ تأثیرگذاری تربیتی مشابه بدانیم، بلکه تأثیرگذاری تربیتی درخانه به مراتب بیش تر از مدرسه است. بدین لحاظ باید یک اصل را بپذیریم و آن اصل یک پارچگی محیط اجتماعی، خانواده و مدرسه است. هم چنین باید بپذیریم که امر تعلیم و تربیت، امری یک پارچه است و دوگانگی و دو شاخه بودن امر تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش قابل قبول نیست، چرا که موجب هرز رفتن و هدر رفتن منابع بسیاری شده، به کاهش بهره‌وری از سرمایه‌گذاری نیروی انسانی، مکان‌های آموزشی و پرورشی و سرمایه‌های مادی‌ای منجر می‌گردد که به این امر مهم می‌پردازند. کلیت و جامعیت امر تعلیم و تربیت به گونه‌ای است که دانش آموز هم از طریق معلمان پرورشی، هم از طریق معلمان آموزشی به طور هم زمان و یکجا و نیز از طریق پدران، مادران، دوستان و نزدیکان پیام‌هایی را دریافت می‌کند. پس باید تلاش کنیم که این پیام‌ها هم جهت و مکمل یکدیگر باشند.

بدین ترتیب یک پارچگی، کلیت و جامعیت را در مدیریت وزارت آموزش و پرورش باور داریم و به شدت به آن پای بندیم. آن چه در مورد ساختار پیش‌نهادی جدید سازمان آموزش و پرورش بدان اشاره شد نیز با نگاه به این جامعیت، کلیت و یک پارچگی بوده است که امیدواریم پس از تصویب نهایی با همکاری گسترده همه اولیا، مربیان و معلمان به خوبی اجرا شود تا بتوانیم از ساختار جدید نتایج بهتری دریافت کنیم.

دانش آموز ما باید علاوه بر آن چه برای زیستن در آینده نیاز دارد، برای هم زیستی با دیگران نیز آموزش ببیند و آمادگی پیدا کند. هم

توان آن‌ها را بیان کرد و به جد باید از همه اعضای محترم انجمن‌ها در سرتاسر کشور قدردانی و تشکر به عمل آورد که با پیوند نزدیک و همکاری تنگاتنگ خود با متصدیان اجرایی امر تعلیم و تربیت، به تحقق هدف‌های تربیتی کمک بسیار مؤثری کرده‌اند.

هدف مشترک همه ما تربیت نسلی است که آینده کشور را به دست آن خواهیم سپرد و منافع مشترک همه ما در تربیت درست این نسل نهفته است. کشوری که مثل جان دوستش می‌داریم و برای دفاع از آن هر یک سعی می‌کنیم بر دیگری سبقت بگیریم و هیچ گونه کاستی را در این زمینه بر نمی‌تابیم، در آینده به دست کسانی سپرده می‌شود که امروز همه کمک می‌کنیم تا به شایستگی تربیت شوند.

امر تربیت فرایندی پیچیده است و نمی‌تواند محدود به سازمانی خاص، جمعی معین یا مکانی معین باشد. درست است که به لحاظ رسمی محیط مدرسه برای تحقق هدف‌های آموزشی و پرورشی پیش‌بینی شده، اما چه کسی است که جدایی خانه از مدرسه را محل تحقق هدف‌های مذکور نداند؟ آیا می‌شود گفت که دانش آموز فقط در ساعاتی که در مدرسه است از معلم، هم کلاسی‌ها و کارکنان اداری مدرسه تأثیر می‌پذیرد و در بیرون از مدرسه از کس یا کسانی تأثیر پذیری ندارد؟ پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، دایی، پسرعمو، پسر دایی، فامیل، دوستان و اهالی محل در درون خانواده یا در اجتماع (که دانش آموز نسبت به مدرسه ساعات بیشتر تری را در آن می‌گذراند)، هر کدام به نسبت دوری و نزدیکی با دانش آموز، در شکل‌گیری شخصیت او تأثیر مستقیم دارند. بنابراین ناگزیریم خانه و مدرسه

یکی از بهترین و زیباترین نهادهای غیردولتی موجود کشور که تا به امروز موفق عمل کرده، انجمن اولیا و مربیان است.

حقوق دیگران احترام بگذارد، چگونه آن چه را برای خود می خواهد برای دیگران هم جایز بداند و منافع خود را فدای منافع ملی کند، چگونه جمعی کار کند و چگونه ملی فکر کند. همه اینها موجب می شود که نسبت به پیچیدگی بیش تر امر تعلیم و تربیت و فرایند رشد و توسعه ابعاد مختلف شخصیت موجود عزیزی که به دست معلمان، مربیان و پدران و مادران باید رشد کند، دقیق تر و حساس تر شویم. هر رفتار ما برای او درسی است و در روان او تأثیر می گذارد. وجود اختلاف در درون خانواده بچه را می آزارد و این آزار در روح و

زیستی با دیگرانی که همه مثل او فکر نمی کنند، همه رفتاری مشابه او ندارند یا رفتار همه آنها آن گونه که او می پسندد، نیست. زیرا توانایی همه مثل هم و یکسان و یک نواخت نیست و درجات و موقعیت های شغلی و میزان برخورداری از مواهب مادی و موقعیت های اجتماعی بسیار متفاوت می باشد. لذا دانش آموز باید آموزش ببیند در درون اجتماعی که به طور طبیعی تفاوت ها در آن وجود دارد، چگونه زندگی کند، چگونه مناسبات و رفتار خویش را با دیگر افراد و اجتماعات تنظیم کند، چگونه از حقوق خود دفاع کند، چگونه به





خلاص شدن از این فشار باید خانواده را ترک کند. آیا هیچ کدام از پدران و مادرانی که با رفتارشان ولو با نیت خیر و درست، روش غلطی را انتخاب کردند، راضی بوده و هستند که رفتارشان این گونه عکس‌العملی را در فرزندشان ایجاد کند که خانواده را ترک کند و سپس در درون اجتماعی بزرگ بدون پناه رها شده، در معرض انواع تهدیدهایی که حیثیت، حیات و آینده او را تهدید می‌کنند قرار بگیرد؟ به طور قطع این طور نیست. بدیهی است که درک عالم کودکی و نوجوانی و قراردادن خود در آن شرایط سنی، حتماً به ما کمک می‌کند که رفتار مناسب‌تری با دانش‌آموز و فرزندمان داشته باشیم. از خود پرسیم که وقتی ما در سن فرزندمان بودیم چگونه فکر می‌کردیم و چه کارهایی انجام می‌دادیم و بعد همین حق را برای او نیز قائل باشیم که در همان شرایط و دوره سنی رفتار و خاصه‌هایی مشابه ما داشته

روان و عواطف او تأثیر می‌گذارد. این تأثیر ممکن است در جاهای دیگر به نوعی بروز کند و این بروز ممکن است به شکلی باشد که ما آن را نپسندیم و مناسب فرزندمان ندانیم. اگر نمی‌خواهیم شاهد بروز چنان واکنش‌هایی باشیم، باید سعی کنیم از سرمنشأ، مسئله را کنترل کنیم، یعنی از همان جاهایی که این پیام‌ها را برای نوجوان ما، دانش‌آموز عزیز ما و فرزند دل‌بند ما می‌فرستند. به عبارت دیگر کنترل واکنش‌های نسل باید از خانواده و مدرسه آغاز شود. اگر اشتباه نکنم طبق آمار ارائه شده، بیش از ۵۰ درصد از کودکان خیابانی تهران علت فرارشان از کانون خانواده را برخورد خشن والدین با آن‌ها عنوان کرده‌اند. پدر یا مادر، ولو با نیت خیر و با قصد تربیت، در برابر خطایی که فرزند مرتکب شده بود با او رفتاری کرده که فوق تحمل وی بوده است. در نتیجه او با فکر کودکانه خود به این نتیجه رسیده که برای

انجمن‌های اولیا و مربیان باید در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مدرسه و منطقه و نظام آموزش و پرورش کشور حضور جدی، فعال و تأثیرگذار داشته، سهمی قابل توجه داشته باشند.

است. عمده‌ترین و بیش‌ترین مشارکت والدین و مردم در امر آموزش و پرورش، مشارکت در تحقق هدف‌های آموزشی و تربیتی است و به همین سبب، بنگاه به جد قائم که حضور انجمن‌های اولیا و مربیان در مدارس سراسر کشور باید جدی‌تر و تأثیرگذارتر باشد. البته این باید ناشی از الزامی است که برای سازوکار اداری وزارت خانه قائم، والا شما بزرگواران بحمدالله به صورت داوطلبانه در این فعالیت بزرگ و کیفی حضور پیدا کرده‌اید و کار می‌کنید. این که آقای دکتر احمدی اشاره کردند که ترتیبی داده شود تا انجمن‌های اولیا و مربیان اختیار بیش‌تری داشته باشند، قطعاً همین طور باید باشد. من خود عضو بعضی از این انجمن‌ها بوده‌ام و تشریفات بودن بعضی از این جلسات برایم آزار دهنده بوده است. البته صحبت‌های خوبی هم می‌شد، اما نهایت کار این بود که احساس می‌کردیم حضور ما در حد یک دید و بازدید و احوال‌پرسی و یک گفت‌وگوی خوب بوده است. به عبارت دیگر در پایان گفت‌وگوها به این جمع‌بندی می‌رسیدیم که ضمانت اجرایی برای تصمیم‌گیری‌ها وجود ندارد و من از این جهت ضعف را کاملاً احساس می‌کردم. بنابراین با شما کاملاً هم عقیده‌ام که می‌بایست انجمن‌های اولیا و مربیان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مدرسه و منطقه و نظام آموزش و پرورش کشور حضوری جدی،

باشد. در این صورت گمان می‌کنم که بسیاری از رفتارهای سخت و انتظارات فوق طاق خود را کنترل می‌کنیم و از دستور کارمان خارج می‌سازیم. این امر می‌طلبد که با فرزندانمان مأنوس‌تر و نزدیک‌تر باشیم تا او خانواده و مدرسه را مأمّن و پناهگاه خود بدانند، نه این که برای فرار از خانه، مأمنی در پارک‌ها و کنار خیابان‌ها پیدا کند و خود را در اختیار عناصر ناباب و ناشناخته و رها در سطح اجتماع قرار دهد. خانواده باید مأمّن و پناهگاه دانش‌آموز باشد، به گونه‌ای که دانش‌آموز به هنگام غروب آفتاب با اشتیاق به سمت خانه حرکت کند، نه این که وسوسه‌های دیگر او را تحریک کند که نیم ساعت، سه ربع یا یک ساعت بیش‌تر در بیرون از خانه بماند. این امر نشانه آن است که محیط خانه دل‌چسبی و جذابیت مورد توقع شرایط سنی او را ندارد.

به اعتقاد بنده و همکارانم در وزارت آموزش و پرورش، توسعه مشارکت مردم در آموزش و پرورش اصل و مبنایی محکم و اجتناب‌ناپذیر است. مشارکت والدین و مردم در همه امور آموزش و پرورش، امری کاملاً رسمی، قطعی و غیرقابل اجتناب است. البته مراد از مشارکت نیز صرفاً مشارکت مادی و کمک‌های مالی اولیای محترم نیست، اگرچه آن هم لازم است، اما به جای خود. شاید مشارکت مادی، کم‌ترین مشارکتی است که مورد توقع



عمده‌ترین و بیش‌ترین مشارکت والدین و مردم در امر آموزش و پرورش، مشارکت در تحقق هدف‌های آموزشی و تربیتی است.

طبی نشده است، انجمن‌ها به صورت خودجوش چیزی را که توقع دارند در قالب پیش‌نهادی که فکر می‌کنند مناسب است و شأن و منزلت انجمن را آن‌گونه که باید باشد، تصویر می‌کند، تنظیم کنند. ما حتماً محتوای آن را مورد توجه قرار می‌دهیم و سعی می‌کنیم که خواست شما به خوبی تأمین شود. اصولاً چرا نباید اولیا در تعیین هدف‌های آموزشی نقش داشته باشند؟ هدف‌های آموزشی را از کجا دریافت می‌کنیم؟ در این مورد که بچه‌ها باید چه چیزی را بخوانند و چگونه رفتاری داشته باشند، طبیعی است که اولیا خیلی خوب و دقیق و عینی

فعال و تأثیرگذار داشته، سهمی قابل توجه داشته باشند. اصولاً وقتی که در مورد فرزندان آن‌ها تصمیم‌گیری می‌شود، چه کسی اولی‌تر از خود اولیا برای ایفای نقش و تأثیرگذاری در این تصمیم‌گیری است؟ بنابراین این را قبول داریم و به گونه‌ای که موجب لوث شدن مسئولیت‌های اداری و قانونی نشود کاملاً آمادگی داریم که در تجدیدنظر درباره‌ی اساس‌نامه یا اگر لازم است به مجلس و دولت پیش‌نهادی داده شود، در تهیه‌ی متن مناسب همکاری داشته باشیم.

البته فکر می‌کنم بخشی از راه را همکارانم قبلاً طی کرده‌اند و باید آن را ادامه بدهیم یا اگر

مشارکت والدین و مردم در همهٔ امور آموزش و پرورش، امری کاملاً رسمی، قطعی و غیر قابل اجتناب است.

خواهد بود. این نگاه وسیعی برای تأمین مشارکت مردم است که حتی قائلیم می‌شود به طریق هیأت امنایی و مشارکت سه جانبهٔ اولیا، مربیان و مدیر منصوب منطقهٔ آموزش و پرورش مدرسه را اداره کرد. هر شیوهٔ دیگری نیز که فکر می‌کنید برای توسعهٔ مشارکت، شدنی است و می‌تواند به بهبود کیفیت و بهره‌برداری درست‌تر از فضاها و امکانات و نیروی انسانی موجود آموزش و پرورش کمک کند، قطعاً مورد استقبال ما قرار خواهد گرفت.

دو نکته نیز که از قول آقای دکتر احمدی فرمودند، آن هم مورد قبول است. عنوان ارتقا و توسعهٔ فناوری در آموزش و پرورش جزء برنامه‌هایی که من به مجلس شورای اسلامی تقدیم کردم به‌طور برجسته ذکر شده بود و پی‌گیر آن هستیم. در این جا هم اتفاقاً اولیا می‌توانند کمک خیلی خوبی به ما بکنند، چرا که اگر بخواهیم برای بیش از صد و سی هزار مدرسه‌ای که در حال حاضر داریم (اگر بخواهیم از مقطع دبیرستان شروع کنیم)، سخت‌افزار مناسب تأمین کنیم، می‌دانید که شاید به سیصد، چهارصد هزار رایانه در فاز اول نیاز داشته باشیم. البته این به شرطی است که خواسته باشیم در استانداردی خیلی ابتدایی یعنی مثلاً به ازای هر بیست و پنج تا سی نفر دانش‌آموز یک دستگاه رایانه در مدرسه وارد بکنیم. دیگر برای نظام ما قابل دفاع نیست که دانش‌آموز از دبیرستان فارغ‌التحصیل بشود و در

می‌توانند در این زمینه اظهار نظر کنند. البته به دلیل پراکندگی موجود در سطح کشور می‌بایست این نظریات دریافت شده، در یک جا با هم تطابق پیدا کند و جمع بندی بشود. اما به هر حال برای تحقق جمع‌بندی صحیح، اظهار نظر دقیق و جدی لازم است. من اعلام کرده‌ام که در آموزش و پرورش لازم است اصلاحاتی انجام شود، به این معنی که مشکلات آموزش و پرورش باید احراز شود. برای حل مشکلات باید راه‌حل‌های منطقی و عملی شناسایی کنیم و آن‌ها را به اجرا بگذاریم. شماها بی‌واسطه‌ترین کسانی هستید که با مسائل و مشکلات آموزش و پرورش درگیر و مواجه‌اید. معلمان نیز این چنین‌اند. طبیعتاً از شما توقع می‌رود که همانند معلمان و دوشادوش آنان در فهرست‌برداری مشکلات آموزش و پرورش همکاری و اظهار نظر کنید. به طور قطع بدانید که نظریات شما مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. باز در امر توسعهٔ مشارکت، روی این موضوع فکر می‌کنیم که لااقل به صورت الگو و به شکل آزمایشی، در شروع کار مدارس را از طریق هیأت امنایی متشکل از اولیا، معلمان و کارکنان اداری مدرسه اداره کنیم و اختیارات مالی و مدیریتی بیش‌تری به هیأت امناء واگذار شود. البته در دورهٔ اجرای آزمایشی احتمالاً نواقصی را مشاهده خواهیم کرد که این نواقص را رفع می‌کنیم و پس از رفع نواقص، این الگو قابل توسعه به دیگر مدارس سراسر کشور هم

حضور انجمن‌های اولیا و مربیان در مدارس کشور باید جدی‌تر و تأثیرگذارتر باشد.

امروز دانش‌آموز ما نسبت به گذشته، بسیار، بسیار تفاوت کرده است. در خیلی از موارد اطلاعات دانش‌آموزان ما از بعضی از معلمان بیش‌تر است و از آن‌ها پیشی گرفته‌اند. یا در بهره‌برداری از رایانه، به خصوص بعضی‌ها که امکاناتی در دسترسشان بوده است، در شرایط خیلی خوبی قرار دارند. معلمان ما می‌بایست جلوتر از دانش‌آموزان حرکت کنند و در کل کشور نیز در حرکت‌های علمی پیشگام باشند تا این‌که بتوانند دانش‌آموزان خوبی را متناسب با شرایط روز به اجتماع تحویل بدهند. این هم از برنامه‌هایی است که امیدواریم با کمک شما بتوانیم به آن برسیم. در مورد اساس‌نامه و موارد دیگری نیز که آقای دکتر احمدی به آن‌ها اشاره فرمودند، ان شاء الله در خدمت شما خواهیم بود.

این نکته هم روشن است که همه خانواده‌های ما در شرایط همانند قرار ندارند و همان آموزشی که برای معلمان لازم است، به طریق اولی برای بسیاری از خانواده‌ها نیز ضروری است. زحمتی که سازمان کشیده و بیش از ۱۰۰ مرکز مشاوره را در کل کشور راه‌اندازی کرده است، جواب‌گیری بخشی از این نیازهاست، البته به شرطی که در مراکز مذکور این آمادگی وجود داشته باشد که به روز خانواده‌ها را نسبت به مسائل آشنا کنند و مطالب کهنه و خارج از رده نبوده، زنده و به روز باشد و شیوه‌هایی که به کار گرفته می‌شود جدید و تأثیرگذار بوده، از روش‌های گذشته

مدرسه نیاموخته باشد که چگونه بایستی با رایانه کار بکند و چگونه از اطلاعات موجود در شبکه‌های اطلاع‌رسانی بین‌المللی استفاده نماید. این نقص بزرگی در نظام آموزشی ماست که باید رفع بشود و البته رفع این نقص بزرگ مشارکت همه ما را می‌طلبد تا با کمک هم بتوانیم این قدم بزرگ را برداریم.

همان‌طور که اشاره کردم در مورد استفاده از روش‌های نوین آموزشی، به عنوان یک اصل مهم، در وزارت خانه مشغول کار هستیم. به خوبی می‌دانید که هم نیاز به تدوین روش‌های جدید وجود دارد و هم بعد از تدوین روش‌های جدید باید آن را به حدود یک میلیون کادر آموزشی در سرتاسر کشور آموزش داد، که این کار بسیار بزرگ و سنگینی است که بدون کمک فراگیر دولت، مجلس، اولیا، کارکنان آموزش و پرورش و به خصوص معلمان، شدنی نیست. هیچ کس منکر این نیست که معلمان نیاز به بازآموزی مداوم دارند. آن چه در ده، پانزده سال پیش در دانشگاه آموخته‌اند، معلوم نیست که برای امروز و آینده کارایی کافی داشته باشد. معلم باید به روزترین عنصر جامعه باشد. بنابراین بازآموزی در دوره‌هایی که هر پنج سال یک بار برگزار می‌شود، کافی نیست، اما حداقلی است که در این فاز می‌شود برای آن فکر و برنامه‌ریزی کرد. یعنی هر یک از معلمان ما لااقل هر پنج سال یک بار می‌بایست یک دوره جدید آموزشی را طی کند تا به روز باشد و بتواند با دانش آموزش صحبت کند. الحمدلله



توسعه مشارکت مردم در آموزش و پرورش اصل و مبنای محکم و اجتناب ناپذیر است.

ما از این امر کاملاً استقبال می‌کنیم و خواهش می‌کنیم آقای دکتر احمدی یک نسخه از متنی که اکنون در وزارت خانه است به دوستان تحویل بدهند تا روی آن کار بکنند. ما با کمال میل از نظریات شما استفاده می‌کنیم. به هر حال، مجدداً از این اجتماع با شکوهی که داشتید تشکر می‌کنم و برای شما آرزوی موفقیت دارم. از شما خواهش می‌کنم که دعا کنید خداوند خدمتگزاران نظام تعلیم و تربیت کشور را برای تحقق این هدف بزرگ دینی و ملی و تربیت نسلی که بشود آینده کشور را با اطمینان به آن سپرد، یاری کند و از لطف و مرحمت و کرامت خدای متعال بهره‌مند باشند. ان شاء الله خداوند شما را موفق بدارد.

استفاده نشود. بخشی از نیاز به این شکل رفع می‌شود، اما همه نیاز به مراتب بیش از حدی است که اکنون روی آن کار می‌شود. توسعه مراکز مشاوره و بلکه مراکز آموزشی به شدت برای خانواده‌ها مورد نیاز است و همکاری خانواده‌ها را می‌طلبد. در این جا خانواده است که باید با اختیار خودش احساس نیاز بکند و از این کلاس‌ها و خدمات مشاوره‌ای استفاده کند. در این زمینه کار ترویجی و تبلیغی سازمان به طور قطع تأثیرگذاری خوبی خواهد داشت. پیش‌نهاد فرموده‌اند که اساس‌نامه سازمان انجمن اولیا و مربیان توسط شورای مرکزی انجمن اولیا و مربیان تهران مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گیرد و پس از آن پیش‌نهاد شود.